

دو تا ۱۰۵	در میان گذاشتن برکات ۲۱
	یک شاگرد آنچه از رومیان ۱: ۱ تا ۳: ۳۱ یاد گرفته است در میان می گذارد.
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه دوره شاگرد سازی از رادیو خوش آمدید. در این مجموعه که در مورد در میان گذاشتن برکات رازگانه‌هایمان است یاد خواهید گرفت که شاگرد عیسی مسیح شوید. دو معلم آنچه از رازگاران خود یاد گرفته اند در میان خواهند گذاشت. هفته گذشته هر روز با قسمتی از عهد جدید رازگاران داشته ایم. یکبار در هفته با هم جمع می شویم تا آنچه یاد گرفته ایم با یکدیگر در میان بگذاریم. در حالیکه به این برنامه گوش می کنید در دفترچه خود یادداشت بردارید و یا برنامه را ضبط کنید. ما حقایق و دروس مهمی را که از رازگانه‌های خود یاد گرفته ایم در میان خواهیم گذاشت و به بعضی سؤالات سخت پاسخ خواهیم داد. عنوان امروز این است یک شاگرد آنچه از رومیان ۱: ۱ تا ۳: ۳۱ یاد گرفته است در میان می گذارد.

(S) نکته ۱. در میان گذاشتن برکات از رومیان ۱: ۱ تا ۳: ۳۱

هفته گذشته رومیان ۱: ۱ - ۳: ۳۱ را خوانده ایم بر آن تعمق و دعا کرده ایم حالا از یادداشتهای رازگاران خود برای در میان گذاشتن حقایق و دروس مربوط به این قسمت استفاده می کنیم و بعضی سؤالات را مورد گفتگو قرار خواهیم داد.
در میان گذاشتن برکات از رومیان فصل ۱

(T) می خواهم از رومیان ۱: ۶ در مورد انجیل نجات مطلبی را در میان بگذارم. پولس می گوید، "زیرا من به انجیل عیسی مسیح افتخار می کنم چون قدرت خداست برای نجات تمام کسانی که ایمان بیاورند. پیغام انجیل در ابتدا فقط به یهودیان اعلام شد اما اکنون همه می توانند با ایمان آوردن به آن، به حضور خدا راه یابند." کلمه انجیل به معنی "خبر خوش" است. انجیل شامل کارهایی نیست که من باید انجام دهم تا خدا از من راضی شود بلکه شامل آن کاری است که خدا در مسیح برای من انجام داد! نجات تنها یک اتفاق نیست. نجات فرایندی است که با ایمان آوردن به عیسی مسیح آغاز می شود و در سرتاسر زندگی تا به ملاقات رو در رو با مسیح ادامه پیدا می کند! نجات را می توان با واژه های مثبت و منفی شرح داد. به صورت منفی از گناه نجات یافته ام و از جهت مثبت به وضعیت نجات راه یافته ام. ۱- نجات یعنی من از گناه رهایی یافته ام و به وضعیت عادل شمرده می گردم. ۲- از آلودگی گناه رهایی یافته ام و به وضعیت تقدس، راه یافته ام. ۳- از بندگی گناه آزاد شده ام و به وضعیتی آزاد، راه یافته ام. ۴- از مجازات گناه رهایی یافته ام و به وضعیت برکت، وارد شده ام. این مجازات هم شامل جدایی از خدا و هم رهایی از خشم او و مجازات مرگ ابدی است. از طرفی برکت شامل مشارکت با خدا، محبت خدا و تجربه حیات جاودانی است!

(S) می خواهم از رومیان ۱: ۲۳ - ۲۴ در مورد به حال خود رها کردن مردم توسط خدا مطلبی را در میان بگذارم. پولس می گوید، "به جای اینکه خدای بزرگ و ابدی را بپرستند بتهایی از چوب و سنگ به شکل انسان فانی، پرندگان، چهارپایان و خزندگان ساختند و آنها را پرستیدند بنابراین خدا نیز ایشان را به حال خود رها کرده تا هر چه می خواهند بکنند و در آتش شهوات گناه آلود خود بسوزند و با بدنهای خود مرتکب گناهان شرم آورد شوند." ۱- آنچه به نظرم می آید ارتباط بین بت پرستی و فساد جنسی است. نامه به رومیان در شهر قرنیه نوشته شد. فساد جنسی شهر قرنیه مشهور بود و در این شهر معابد زیادی نیز برای بتها ساخته شده بود. بیش از ۱۰۰۰ کاهن زن در این معابد خدمت می کردند که کار آنها ترویج فساد و فاحشه گری بود. یکی از نتایج فساد جنسی این بود که مردم، تعریف خود را از خدا تغییر می دادند تا اعمال گناه آلودشان موجه به نظر برسد. فساد جنسی علت بسیاری از مواردی است که به ایمانشان به خدای کتاب مقدس پشت می کنند و از آن رو بر می گردانند. ۲- آنچه به نظرم می آید این است که صبر خدا در مقابل کسانی که عمدا گناه می کنند بی نهایت نیست. خدا صبور است وقتی مردم به گناهانشان ادامه می دهند خدا صبورانه منتظر توبه آنها می ماند. در دوم پطرس ۳: ۹ نوشته شده، "در واقع او صبر می کند و فرصت بیشتری می دهد تا گناهکاران توبه کنند چون نمی خواهد کسی هلاک شود." در مکاشفه ۲ به ایزابل که خود را نبیه می خواند، فرصت داده می شود تا از فساد جنسی توبه کند اما چون او نسبت به این موضوع بی تمایل است بالاخره خدا او را به مصیبتی دچار ساخت. وقتی با توبه به صبر خدا پاسخ داده نمی شود خشم خدا جاری خواهد شد و او عملا مردم را به نتیجه گناهان خودشان خواهد سپرد. کتاب مقدس می گوید، "خدا نیز ایشان را به حال خود رها کرده تا در آتش شهوات گناه آلود خود بسوزند." خدا آنها را به بندگی گناهان جنسی رها کرده است. کتاب مقدس هشدار می دهد که شهوت جسم به نقطه ای می رسد که غیر قابل کنترل است. وقتی مردم به گناه ادامه می دهند و توبه نمی کنند خدا نیز آنها را به گناهانشان رها خواهد کرد. وقتی مردم خود را در مقابل خدا سخت می سازند بالاخره نیز خدا قلب آنها را سخت می سازد. این قانون الهی است که مردم آنچه همیشه می کارند بالاخره درو خواهند کرد.

(T) می‌خواهم تعلیم کتاب مقدس در مورد همجنس‌گرایی را در میان بگذارم. در رومیان فصل ۱، هویت جنسی یا تمایل جنسی فرد موضوع اصلی نیست. آنچه مسئله مهم است کاری است که فرد با جنسیت خود می‌کند. بر طبق تعلیم واضح کتاب مقدس، نزدیکی جنس باید فقط بین شوهر و همسرش باشد و هرگز نباید با شخص دیگری نیز این ارتباط را برقرار کرد! تمام روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج خلاف خواست و اراده آشکار خدا است. عیسی در متی ۱۹: ۴-۵ می‌گوید، "مگر شما کتاب آسمانی را نمی‌خوانید؟ در کتاب آسمانی نوشته شده است که در آغاز خلقت، پروردگار مرد و زن را آفرید و دستور داد مرد از پدر و مادر خود جدا شود و به زن خود بپیوندد به طوری که آن دو نفر دیگر دو تن نیستند بلکه یک تن." و عبرانیان ۱۳: ۴ می‌گوید، "به ازدواج خود و به عهد و پیمانی که بسته اید وفادار باشید و پیوند زناشویی تان را از آلودگی دور نگاه دارید زیرا خدا افراد فاسد و زناکار را حتما مجازات خواهد کرد." فساد جنسی یعنی هر نوع رابطه جنسی قبل از ازدواج و زنا یعنی هر نوع ارتباط جنسی خارج از چارچوب ازدواج. پس کتاب مقدس هر نوع ارتباط جنسی خارج از چارچوب ازدواج را ممنوع می‌کند. چارچوب ازدواج عهدی است میان یک مرد و یک زن در برابر خدا، خانواده و دوستانشان بعنوان شاهدین آنها. در شریعت عهد عتیق، در لاویان ۲۰: ۱۳، مجازات همجنس‌گرایی، مرگ اعلام شده است. در تثنیه ۲۳: ۱۷-۱۸ فاحشه‌گری در معبد ممنوع اعلام شده است. در اول پادشاهان ۱۴: ۲۴ فاحشه‌گری مردان معابد از نظر خدا عملی نفرت‌انگیز نامیده شده است. در اشعیا ۳: ۹ کسانی که مانند سدوم علنا گناه می‌کنند یعنی لواط می‌کنند بر خود مصیبت فرود خواهند آورد. در اول قرننتیان ۶: ۹-۱۰ نوشته شده، مگر نمی‌دانید که مردم نادرست از برکات ملکوت خدا بی‌نصیب خواهند ماند؟ خود را فریب ندهید! شهوت رانان، بت پرستان و زانیان و آنانی که به دنبال زنان و مردان بدکاره می‌افتند ... در دنیای جدیدی که خدا سلطنت می‌کند جایی نخواهند داشت. در یهوذا ۷ می‌خوانیم، "در ضمن شهرهای سدوم و عموره را نیز به یاد داشته باشید اهالی آنجا و شهرهای مجاور به انواع شهوات و انحرافات جنسی آلوده بودند بنابراین همه آنها نابود شدند تا برای ما درس عبرتی باشند و بدانیم که آتش ابدی وجود دارد که در آنجا گناهکاران مجازات می‌شوند."

در میان گذاشتن برکات از رومیان ۲

(S) می‌خواهم از رومیان ۲: ۶-۷ درباره اینکه چه کسانی وارث حیات جاودانی هستند مطلبی را در میان بگذارم. رومیان ۲: ۶-۷، "و به همه کس مطابق کارهایش پاداش یا کیفر خواهد داد او زندگی جاوید را به کسانی می‌بخشد که با صبر و تحمل آنچه راست است عمل می‌آورند و خواستار جلال و بزرگی و بقایی هستند که خدا عطا می‌کند." آیا این به این معنی است که انجام کارهای خوب راه بدست آوردن حیات جاودانی است؟ نه. آنانی که می‌گویند بله، بدون خواندن متن این نتیجه را می‌گیرند. هر یک از تعالیم کتاب مقدس را باید در متن آن فصل و آن کتاب کتاب مقدس و همینطور در کل متن کتاب مقدس درک کرد. آیه بعد رومیان ۲: ۷ می‌گوید، "اما آنانی را که با حقیقت وجود خدا ضدیت می‌کنند و به راههای گناه آلود خود می‌روند، به شدت مجازات خواهد کرد بلی، ایشان مورد خشم و غضب خدا واقع خواهند شد." در واقع کوچکترین متن رومیان ۲: ۵-۱۱ خواهد بود. اگر درست است که مردم از طریق اعمال نیکو حیات جاودانی خواهند یافت پس کار نجات مسیح بیهوده است و ایمان شما نیز بیهوده است. اما اعمال خوب در آیه ۷ فقط به معنی کارهای خوب نیست. رومیان ۲: ۸ نشان می‌دهد که کار خوب در اینجا به معنی "پذیرش حقیقت" است و از این حقیقت از نظر پولس در مورد چیست؟ در رومیان ۱: ۲۵ "حقیقت وجود خدای زنده است." در افسسیان ۴: ۲۱ این حقیقت در مورد عیسی مسیح است. در غلاطیان ۲: ۵ "حقیقت انجیل" است و در دوم تیموتائوس ۲: ۱۵ "حقیقت کتاب مقدس" است. پس برای اینکه شخصی حیات جاودانی بیابد باید حقیقت انجیل و کل کتاب مقدس و همینطور حقیقت خدا و حقیقت در مورد عیسی مسیح را بپذیرد. به علاوه، در افسسیان ۲: ۸-۹ پولس بوضوح تعلیم می‌دهد که ما از طریق اعمال خوب نجات پیدا نمی‌کنیم بلکه از طریق فیض و ایمان.

(T) می‌خواهم از رومیان ۲: ۱۲ درباره کسانی که هرگز حقیقت را نشنیده‌اند مطلبی را در میان بگذارم. رومیان ۲: ۱۲ می‌گوید، "آنانیکه بدون شریعت گناه کنند بی شریعت نیز هلاک شوند." همه کسانی که شریعت ندارند یعنی همه انسانهایی که مکاشفه عهد عتیق را نداشته‌اند و همچنین هرگز انجیل عهد جدید را نشنیده‌اند، نجات نخواهند یافت و هلاک خواهند شد. اگر در جهل بوده‌اند پس چرا هلاک خواهند شد؟ این بی‌انصافی نیست، آنانی که در جهل هستند باید هلاک شوند؟ کتاب مقدس می‌گوید هیچ کس در جهل مطلق نیست. رومیان ۲: ۱۵ می‌گوید، "چون ایشان با اینکه هیچگاه کتاب آسمانی و احکام نوشته شده خدا را نخوانده‌اند اما در عمق وجدانشان خوب را از بد تشخیص می‌دهند پس در حقیقت احکام خدا در وجدانشان نوشته شده است. به همین دلیل وقتی کاری نیک انجام می‌دهند وجدانشان آرام می‌گیرد و هرگاه عمل بدی مرتکب می‌شوند وجدانشان ایشان را سرزنش می‌کند." وقتی خدا انسان را به شباهت خود آفرید، احکام اخلاقی خوب را بر قلب همه انسانها نوشت. انسانهایی که هرگز ده فرمان را نشنیده‌اند می‌دانند که قتل کار بدی است و دزدی اشتباه است و غیره. آنها اینها را می‌دانند چون خدا، معرفت اراده خود را در قلب هر انسانی نوشته و وجدان انسان را مانند یک مدافع ساخته است که از شریعت موجود در قلب مردم استفاده می‌کند و خوب و بد را به آنها می‌گوید. پس کتاب مقدس می‌گوید که جهل انسانها هرگز مطلق نیست! تمام مردم، در مورد خدای زنده قسمتی از حقیقت را می‌دانند و مسئول هستند که بر طبق آن حقیقت عمل کنند. پس کسانی که

مکاشفه عهد عتیق و عهد جدید را ندادند عذری برای موجه نشان دادن گناهانشان ندارند. چون آنها دارای شریعت اخلاقی خدا هستند که بر روی قلوبشان نوشته شده است.
در میان گذاشتن برکات از رومیان فصل ۳

(S) می خواهم از رومیان ۳: ۱۹-۲۲ در مورد شریعت مطلبی را در میان بگذارم. شریعت خدا ضرورت و لازمه ای است که خدای صد در صد مقدس و عادل قرار داده تا تمام مردم صد در صد کامل زندگی کنند و همه گناهان صد در صد مجازات شوند. در دوران عهد عتیق شریعت یا معیار خدا در سه نوع شریعت ارائه شده است. ۱- شریعت تشریفاتی که شامل قوانین معبد، کاهن، قربانی ها و اعیاد مذهبی می شد. هدف از شریعت تشریفاتی این بود که به مردم نشان دهد به خدای مقدس چطور نزدیک شوند. این احکام با مرگ و قیام عیسی مسیح انجام و در نتیجه در دوران عهد جدید منسوخ و باطل شد. ۲- قوانین مدنی شامل احکامی قانونی و سیستم کیفری قوم اسرائیل بود. هدف قوانین مدنی این بود تا به اسرائیل نشان دهد که چطور به عنوان یک قوم مستقل عمل کنند. این قوانین با نخستین آمدن عیسی مسیح، با قوانینی جانشین شد که عیسی مسیح در مورد ملکوت خدا داد. قوم خدا دیگر به یک ملت مستقل اطلاق نمی شود؛ به ملکوت خدا که شامل هر قومی در هر کشوری در این دنیای فعلی است. ۳- قوانین اخلاقی شامل ده فرمان در خروج فصل ۲۰ است. هدف از شریعت اخلاقی هنوز هم این است که به مردم نشان دهد چطور به عنوان قوم خدا در این دنیا زندگی کنند. در سر تا سر تاریخ و در سر تا سر دنیا مردم نتوانسته اند عدالت خود را با ننگ داشتن شریعت بدست آورند. حتی یکنفر نیست که هرگز گناه نکرده باشد و حتی یکنفر نیست که همیشه آنچه در نظر خدا درست است انجام داده باشد. پس به جز عیسی مسیح در کل تاریخ این دنیا حتی یکنفر هم نبوده است که صد در صد کامل بوده باشد. هم شریعت و هم انبیا عهد عتیق و اناجیل و نامه های عهد جدید مدعی هستند که مردم فقط از طریق کاری که خدا در عیسی مسیح انجام داد می توانند صد در صد عادل شمرده شوند! هر شخصی در دنیا که ایمان بیاورد عیسی مسیح به جای او و به خاطر صد در صد گناهان او مجازات شد و ایمان بیاورد که عیسی مسیح صد در صد عدالت خود را به ایمانداران می بخشد، نجات خواهد یافت! دوم قرننیا ۵: ۲۱ می گوید که خدا عیسی مسیح بی گناه را به جای ما گناه ساخت تا ما بتوانیم سخاوتمندانه صد در صد عدالت او را دریافت کنیم.

(T) می خواهم درباره عملکردهای شریعت اخلاقی مطلبی را در میان بگذارم. ۱- قوانین اخلاقی مانند سدهای است که مانع گناهکاران و مانع پیشرفت گناه در اجتماع می شود. در اول تیموتائوس ۱: ۹-۱۱ می خوانیم، "اما به هر حال این احکام به ما که به وسیله خدا نجات یافته ایم مربوط نمی شود، بلکه برای قانون شکنان، جنایتکاران، دانشناسان، گناهکاران و بی دینان است، برای آنانی است که پدر و مادر خود را مورد ضرب و شتم قرار می دهند و یا آدم می کشند. بلی این احکام داده شد تا نشان دهد که مرتکبین این اعمال جزو گناهکارانند یعنی زناکاران، همجنس بازان، آدم دزدان، دروغگویان و تمام کسانی که مرتکب اعمالی بر خلاف تعلیم صحیح می گردند، تعلیمی که مطابق انجیل پر جلال خدای متبارک است و من نیز برای اعلام آن تعیین شده ام." ۲- قوانین اخلاقی مانند یک آینه است که ما درون آن گناهانمان را می بینیم. در رومیان ۳: ۲۰ می خوانیم، "پس ملاحظه می کنید که با اجرای شریعت کسی هرگز نمی تواند رضایت خدا را حاصل کند در واقع هر چه بیشتر شریعت را بدانیم بیشتر پی می بریم که آن را زیر پا گذارده ایم. شریعت فقط چشمان ما را باز می کند تا گناهان خود را ببینیم." ۳- مانند یک ذره بین است که بزرگی و زشتی گناهانمان را به ما نشان می دهد. در رومیان ۵: ۲۰ می خوانیم، "اما شریعت در میان آمد تا خطا زیاده شود." ۴- مانند یک داور است که ما را محکوم به گناه می کند و اینکه در برابر خدا باید پاسخگو باشیم. در رومیان ۳: ۱۹ می خوانیم، "تمام مردم دنیا در برابر تخت داوری خدای قادر مطلق، مقصر و محکومند." ۵- مانند یک معلم مدرسه به ما نشان داد برای اینکه از نظر خدا عادل شمرده شویم به عیسی مسیح و عدالت او نیاز داریم. در غلاطیان ۳: ۲۴ می خوانیم، " احکام الهی مانند دایه ای بود که از ما مراقبت می کرد تا زمانی که مسیح بیاید و ما را از راه ایمان مقبول خدا سازد."

(S) می خواهم از رومیان ۳: ۲۳-۲۶ در مورد مفهوم عادل شمردگی، فدییه و کفاره مطلبی را در میان بگذارم. رومیان ۳: ۲۳-۲۴ می گوید، "زیرا همه گناه کرده اند و هیچکس به آن کمال مطلوب و پر جلالی که خدا انتظار دارد نرسیده است اما اکنون اگر به عیسی مسیح ایمان آوریم خدا ما را کاملاً بی گناه به حساب می آورد چون عیسی مسیح به لطف خود به طور رایگان گناهان ما را برداشته است." ۱- گناه باعث شد که ما از جلال خدا محروم شویم. در ابتدا ما به شباهت خدا آفریده شدیم و دارای تقدس، محبت و عدالت خدا بودیم. اما با گناهانمان، ما این شباهت به خدا را از دست دادیم. به علاوه رضایت خدا از خودمان را از دست دادیم و محکومیم که تا ابد از حضور او دور بمانیم مگر اینکه نجات بیابیم. ۲- به دلیل کاری که مسیح انجام داد مجانا عادل شمرده شدیم. یعنی خدا سخاوتمندانه به ما عدالت مسیح را می بخشد و مقتدرانه ما را در حضور خود عادل به حساب می آورد. این حکمی است که خدا یکبار و برای همیشه می دهد. ۳- مرگ مسیح بر روی صلیب به عنوان یک فدییه توصیف شده است. کلمه فدییه در اصل به معنی "رهایی شخص اسیر با پرداخت فدییه" است. در کتاب مقدس واژه فدییه به معنی رهایی از احساس تقصیر و از مجازات و از قدرت گناه است. ۴- مرگ مسیح بر روی صلیب یک قربانی کفاره ای نیز توصیف شده است. واژه قربانی کفاره یعنی "از خود گذشتگی مسیح بر روی صلیب"، به معنی قربانی ای بود که خشم مقدس و عادلانه

خدا را طوری از ما دور می سازد که رحمت، فیض و محبت خدا در زندگی های ما جاری می گردد. ۵- مرگ مسیح بالاخره به دوران عهد عتیق پایان داد که به نظر می رسد خدا در آن از گناه چشم پوشی و آن را بدون مجازات می گذاشت. خدا گناهانی را که قبل از نخستین آمدن عیسی مسیح انجام شده اند بدون مجازات رها نمی کند. خدا تمام گناهان انسانها را چه قبل از نخستین آمدن عیسی مسیح و چه بعد از آمدن او، به پای عیسی مسیح گذاشت! بدین ترتیب خدا ثابت کرد که او تا به ابد خدای قدوس و عادل است که گناه را باید مجازات کند و واقعا آن را مجازات کرد. نتایج مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب هم شامل حال گذشتگان از ابتدای نسل بشر می شود و هم تا به پایان تاریخ بشر اما این نتایج فقط در آنانی کار می کند که به عیسی مسیح ایمان می آورند. ۶- انسان فقط از طریق ایمان به عیسی مسیح و نه از طریق اعمال خوب عادل شمرده می شود. هیچکس تا به حال از طریق حفظ شریعت مذهب عادل شمرده نشده است. انسان فقط از طریق ایمان به عیسی مسیح است که از خشم مقدس خدا در برابر گناهانش نجات پیدا می کند و در نظر خدا عادل شمرده می شود و از احساس گناه، مجازات و قدرت گناه رهایی می یابد.

(T) می خواهم از رومیان ۳: ۲۹-۳۰ مطلبی را در میان بگذارم. خدا یهودیان را از راهی دیگر و متفاوت با امتهای عادل نمی شمارد. فقط یک خدا وجود دارد و او خدای تمام انسانهاست چه او را بپذیرند یا نپذیرند! این خدا خدای کتاب مقدس است که ختنه شدگان را با ایمان و ختنه نشدگان را هم با همان ایمان عادل می شمارد. خدا مردم را به دو دسته تقسیم نکرده که به بعضی بیشتر توجه داشته باشد. یعنی دو گروه یهودیان و کلیسای مسیح. خدا هم برای یهودیان و هم برای امتهای یک نقشه نجات در نظر گرفته و آن این است که نه از طریق اعمال شریعت بلکه از طریق ایمان به عیسی مسیح نجات بیابند. همچنین خدا فقط یک قوم دارد یعنی کلیسا که شامل هم یهودیان و هم امتهای است که به عیسی مسیح ایمان دارند. خدا برای یهودیان آینده، نقشه خاصی ندارد. بعد از مرگ و قیام عیسی مسیح یهودیان هم وضعیت مشابهی با تمام اقوام روی زمین دارند.

(S) تکلیف برای هفته آینده

اول. رومیان ۴: ۱ تا ۸: ۳۹ را به هفت قسمت تقسیم کنید. هر روز با یک قسمت رازگهان داشته باشید.
دوم. کتابهای دستورالعمل "بروید و شاگردان بسازید" را ملاحظه کنید و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید.
سوم. هر شب تا چهارشنبه به برنامه دوره شاگردسازی از رادیو گوش کنید.